

دکتر مارک جنینگز، مارک، سخنرانی ۲ مرقس ۱:۱-۱۳

مارک جنینگز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر مارک جنینگز هستم و در حال تدریس در مورد کتاب مرقس. این جلسه دوم در مورد مرقس ۱: ۱-۱۳ است.

دوباره سلام. خوشحالم که دوباره با شما هستم، زیرا ما در حال کار بر روی انجیل مرقس هستیم. در آخرین سخنرانی مان به برخی از مطالب پیش‌زمینه نگاهی انداختیم، در مورد ژانر انجیل و برخی از ملاحظات تاریخی. در مورد انجیل‌ها بحث کردیم. اما امروز من هیجان‌زده‌ام زیرا واقعاً به انجیل مرقس می‌پردازیم.

قبل از اینکه به بخش اول فصل اول پردازیم، قصد داریم کمی در مورد ساختار انجیل مرقس صحبت کنیم. و روش‌های مختلفی برای بررسی ساختار انجیل مرقس وجود دارد. برخی می‌خواهند آن را از نظر جغرافیایی بررسی کنند، برخی آن را یک جنبش الهیاتی می‌دانند.

به نظر من، بهترین توضیح چهار بخش اساسی است. اینکه شما یک مقدمه دارید، مرقس فصل ۱، آیات ۱ تا این چیزی است که ما امروز در درجه اول به آن خواهیم پرداخت، و پس از آن بخش بعدی، یک بخش ۱۳. نسبتاً بزرگ، که از آیه ۱۴ فصل ۱ شروع می‌شود و تا اواسط فصل ۸، ۸:۲۱ ادامه دارد.

اعتراف پطرس در اواسط فصل ۸، مدت‌هاست که به عنوان یک محور، به عنوان یک نقطه عطف اصلی انجیل مرقس شناخته می‌شود، و این در این ساختار منعکس شده است. این بخش دوم، اگر بخواهید، پس از مقدمه، واقعاً به عنوان رسالت عمومی عیسی، و همچنین رسالت اقتدار او توصیف شده است. منظورم از این، موضوع اقتدار عیسی است که به نمایش گذاشته می‌شود.

و من فکر می‌کنم هر دوی این‌ها درست هستند. مطمئناً این هشت فصل اول جنبه عمومی دارند. بسیاری از کارهایی که عیسی انجام می‌دهد در معرض دید دیگران در خانه‌هایشان یا در کنیسه‌ها است.

در طول این هشت فصل اول، تمرکزی بر جلیل نیز وجود دارد و بسیاری از مباحثی که پوشش داده می‌شوند همانطور که خواهیم دید، واقعاً به مسئله اقتدار عیسی می‌پردازند. و سپس تغییری در انجیل مرقس در اعتراف پطرس رخ می‌دهد، زمانی که پطرس تحت فشار قرار می‌گیرد که فکر می‌کند عیسی کیست. در آنجا ما نه تنها جغرافیا را می‌بینیم که شروع به تغییر کرده است.

منظورم این است که ما شروع به حرکت به سمت اورشلیم می‌کنیم. اما همچنین شاهد یک تغییر موضوعی در انجیل مرقس هستیم که در آن رنج و مرگ مسیح بسیار رایج‌تر می‌شود. حتی آموزه‌ها نیز بیشتر بر شاگردان متمرکز می‌شوند.

و بنابراین، این بخش سوم، با عنوان «عیسی به سوی صلیب برمی‌گردد»، و سپس یک خاتمه در فصل ۱۶ آیات ۱ تا ۸ وجود دارد. حال، همانطور که در سخنرانی قبلی در مورد آن صحبت کردیم، پایان انجیل مرقس کمی بحث‌برانگیز است، از نظر اینکه کجا تمام شده یا کجا تمام نشده و آنچه داریم. بنابراین، این خاتمه در آیات ۱ تا ۸ احتمالاً با کمی ستاره در مورد آن ساختار برگزار می‌شود. بنابراین، امروز، ما در درجه اول به مقدمه، یعنی مرقس ۱ تا ۱۳، خواهیم پرداخت.

همانطور که به مقدمه نگاه می‌کنیم، یکی از چیزهایی که می‌خواهم شروع به درک آن کنیم، موضوعات و مضامینی است که در مقدمه معرفی می‌شوند. ابتدای کتاب اغلب ما را به سمت موضوع اصلی کتاب، یعنی موضوع اصلی کتاب، سوق می‌دهد. همچنین، می‌خواهم به این نکته توجه کنیم که در چنین مدت کوتاهی چقدر به آن پرداخته شده است.

هفته‌ی پیش در مورد سرعت مرقس و اینکه چطور خیلی سریع حرکت می‌کند صحبت کردیم. اما با این سرعت زیاد، او خیلی هم کند می‌شود. و بنابراین، یکی از چیزهایی که فکر می‌کنم اینجا خواهیم دید این است که مرقس در ۱۳ آیه مطالبی را پوشش می‌دهد که مثلاً متی نزدیک به چهار فصل برای پوشش دادن آنها وقت گذاشته است.

در مقدمه، خلاصه‌های زیادی می‌خوانیم. اطلاعات زیادی به دست می‌آوریم که تقریباً به نظر می‌رسد دانش فرضی هستند. عناصر کلیدی داستان عیسی، و همچنین عناصری که به راحتی قابل درک بودند.

بنابراین، ما یحیی تعمید دهنده را معرفی می‌کنیم، اما اطلاعات زیادی در مورد یحیی نمی‌گیریم. ما غسل تعمید و یک لحظه کلیدی در آنجا را می‌بینیم، اما گفتگویی که پیرامون غسل تعمید رخ می‌دهد را نمی‌بینیم. ما به روایت وسوسه اشاره می‌کنیم، اما شرح کامل آنچه در بیابان اتفاق افتاد را نمی‌بینیم.

در این مقدمه، مارک از میان بخش‌های بزرگی از مطالبی که متی، لوقا و یوحنا زمان بیشتری را صرف آنها می‌کنند، عبور می‌کند تا جایی که در نهایت، سرعتش کم می‌شود. تقریباً سرعتی مثل لاک‌پشت دارد. او خیلی سریع حرکت می‌کند، مثل یک خرگوش، و سپس مثل یک لاک‌پشت سرعتش کم می‌شود.

و این سرعت کند چیزی است که در سخنرانی بعدی در مورد مرقس ۱ به آن خواهیم پرداخت. اما بیابید به آنچه امروز اینجا داریم نگاهی بیندازیم. و بنابراین، با شروع از مقدمه، به سه آیه اول می‌رسیم. آغاز مژده درباره عیسی، مسیح، عیسی مسیح، همانطور که در اشعیا نبی آمده است: من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد که راه شما را آماده خواهد کرد، صدای کسی که در بیابان ندا می‌دهد، راه خداوند را آماده کنید، راه‌های او را هموار سازید.

احتمالاً ذکر آیه ۱ در اینجا خالی از لطف نیست، جایی که از آغاز بشارت سخن می‌گوید. این همان کلمه اما در اینجا منظور بشارت، انجیل. euangelion، یونانی است که دفعه قبل در مورد آن صحبت کردیم. به معنای یک ژانر، نیست، بلکه در واقع یک اعلامیه است، آن جنبه.

بنابراین، این آغاز یک اعلامیه است. برخی استدلال می‌کنند که آیه ۱ در مورد کل کتاب صحبت می‌کند تا راهی برای معرفی کل کتاب، آغاز خبر خوش، یعنی انجیل مرقس، باشد. با این حال، من فکر می‌کنم آنچه که ما در اینجا با آیه ۱ می‌بینیم، آغاز خبر خوش درباره عیسی، مسیح، احتمالاً واقعاً آنچه را که یحیی تعمید دهنده انجام می‌دهد، پوشش می‌دهد.

اینکه آغاز این اعلامیه، روش مرقس برای بحث در مورد این است که اعلامیه مبنی بر اینکه عیسی، مسیح پسر خداست، اساساً با یحیی تعمید دهنده آغاز می‌شود. و من فکر می‌کنم یکی از دلایل این امر توجه به این نکته است که این آغاز خبر خوش در مورد عیسی، عیسی مسیح است، برخی ترجمه‌ها می‌گویند عیسی مسیح، مسیح برگردان انگلیسی کلمه یونانی کریستوس است، کریستوس کلمه یونانی برای مسیح است. و بنابراین، این از کجا می‌آید.

و نکته‌ی قابل توجه، اشاره به عیسی در اینجا است. این آغاز اعلام خبر خوش درباره‌ی عیسی مسیح، عیسی مسیح است. بنابراین، این به معنای آغاز خبر خوش، آغاز اعلام درباره‌ی مسیح به طور کلی، یا مسیح موعود به نوعی مفهوم کلی نیست، بلکه بسیار خاص است.

اعلام در مورد عیسی، آن شخص خاص، با یحیی تعمید دهنده آغاز می‌شود. من فکر می‌کنم مرقس هم در همین جایگاه قرار دارد. اعلام اینکه این عیسی، مسیح موعود، پسر خداست، در واقع با یحیی تعمید دهنده آغاز می‌شود.

با اشاره یحیی تعمید دهنده به این شخص خاص. و بنابراین، من فکر می‌کنم این همان چیزی است که در آیه اتفاق می‌افتد. و سپس، همانطور که غیرمنتظره نبود، می‌بینیم که یحیی تعمید دهنده در اینجا با یک متن ۱ کتاب مقدس مرتبط است. در اشعیا نبی نوشته شده است: من رسول خود را پیشاپیش تو خواهم فرستاد که راه تو را آماده خواهد کرد.

صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند، راه خداوند را آماده کنید. کمی به آن برمی‌گردم. می‌خواهم کمی بیشتر در مورد آن متن و در مورد یحیی تعمید دهنده صحبت کنم.

چون همانطور که می‌دانید، هر چهار انجیل داستان خود را اینگونه آغاز می‌کنند. در داستان آنها یک عنصر کلیدی به نام یحیی تعمید دهنده وجود دارد. بنابراین، احتمالاً مفید است که کمی در مورد اینکه یحیی تعمید دهنده که بود و چگونه این متنی که به آن اشاره شده به او اشاره دارد، صحبت کنیم.

این متن از کتاب اشعیا در واقع چیزی بیش از اشعیا است. ما فکر می‌کنیم دو، احتمالاً سه متن از عهد عتیق داریم که در این متن کنار هم قرار گرفته و ارائه شده‌اند. یکی ترکیبی از خروج ۲۰:۲۳، بخش اول آیه ۲۰، به همراه ملاکی ۱:۳ و سپس اشعیا ۴۰، آیه ۳ است. دلیل اینکه فکر می‌کنیم متن خروج ممکن است مد نظر باشد این است که در ترجمه یونانی سپتواجینت، که ترجمه یونانی کتاب مقدس عبری است و ما آن را عهد عتیق می‌نامیم، به ترجمه یونانی آن از این دوره زمانی، سپتواجینت گفته می‌شود.

در ترجمه سپتواجینت، شروع تقریباً به صورت تحت‌اللفظی است، و خداوند وعده می‌دهد که فرشته‌ای را پیشاپیش بنی‌اسرائیل در بیابان بفرستد. بنابراین، ما فکر می‌کنیم که خروج ۲۰:۲۳، بخش اول آیه ۲۰، ممکن است در اینجا مد نظر باشد. در ملاکی، پیامبر مورد نظر، که اتفاقاً بعداً در ملاکی ۴:۶ با نام ایلیا معرفی می‌شود، اما در اینجا در ملاکی، که بخشی از این متن است، برای آمدن نهایی و آخرالزمانی خداوند برای پاکسازی اسرائیل و داوری شریران آماده می‌شود.

در واقع، این شناسایی ایلیا را وقتی به انجیل مرقس ۹ می‌رسیم، خواهیم دید که عیسی، یحیی تعمید دهنده را به عنوان این پیامبر آخرالزمانی، به عنوان این شخصیت ایلیا، معرفی می‌کند. در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد. اما یک نکته مهم در کتاب ملاکی، در اشاره به ملاکی، در متن آمده است: راه مرا آماده کنید.

در حالی که در انجیل مرقس، این عبارت به «راه خود را آماده کن» تغییر یافته است. بنابراین به نظر من، این تغییر مهمی است که رخ داده است. به نظر من مرقس با نسبت دادن این متن به یحیی تعمید دهنده نکته بسیار عمیقی را به ما می‌گوید، اما با تغییر متن ملاکی به «راه خود را آماده کن» به جای «راه من را آماده کن»، چیزی در مورد رابطه عیسی با خدا می‌گوید.

در حالی که در ملاکی خداوند می‌گوید راه مرا آماده کنید، در اینجا ضمیر با عیسی مرتبط است. و بنابراین، این حس وجود دارد که آمدن آخرالزمانی خداوند، بازگشت خداوند، اوج نقشه و زمان کار بزرگ خداوند

آمدن پاکسازی اسرائیل و داوری شیران، با آمدن عیسی اتفاق می افتد. البته، ریشه اصلی این متن، اشعیا ۴۰، آیه ۳ است. و مرقس در اینجا بر اشعیا تأکید دارد.

حال، او اشتباه نمی کند که می گوید این از اشعیا است و از ملاکی یا حتی احتمالاً متن خروج نام نمی برد هرچند که این کمی مطمئن تر است. کاملاً در روال معمول این بود که به نوعی در مرجع غالب قرار گیرد و اشعیا را به عنوان مرجع اصلی این متن ذکر کند. کسانی که این را شنیده بودند، به راحتی اشعیا ۴۰ و ملاکی را نیز شنیده بودند و فکر نمی کردند که مرقس در اینجا کار عجیبی انجام می دهد.

در واقع، اشعیا، پیام بزرگ اشعیا، آن پیام بنده رنج کشیده، رستگاری آخرالزمانی، زبان جدید خروج که در سراسر اشعیا ۴۰، یعنی رهایی نهایی، می بینیم، بخش مهمی از انجیل مرقس است. و بنابراین، پیوند دادن ورود یحیی تعمیددهنده به اشعیا ۴۰، حتی اگر با سایر متون تداخل داشته باشد، بسیار منطقی است. حال، وقتی به یحیی تعمیددهنده فکر می کنیم، احتمالاً ارزش دارد که کمی وقت صرف او کنیم به دلیل اهمیتی که از نظر تاریخی، به ویژه برای دنیای عهد جدید، داشته است.

عیسی در متی ۱۱ ادعا کرد که یحیی تعمید دهنده چیزی بیش از یک پیامبر بود. در مورد اینکه او بزرگترین بود صحبت می کند. برخلاف سایر شخصیت های عهد جدید، تنها به مرگ عیسی و یحیی تعمید دهنده توجه ویژه ای شده است.

یحیی تعمید دهنده پیروان زیادی داشت. در واقع، اگر کتاب اعمال رسولان را بخوانید، پولس به افرادی برمی خورد که هنوز از یحیی تعمید دهنده پیروی می کنند و در اطلاعات خود سردرگم یا شاید ناقص هستند همانطور که می دانیم، عیسی توسط یحیی تعمید داده شد.

پیام عیسی بسیار شبیه به پیام یوحنا در مورد رسیدن پادشاهی است. در انجیل ها از یحیی تعمیددهنده برای مقایسه و تضاد با عیسی استفاده شده است. از بسیاری جهات، عظمت یحیی تعمیددهنده است که به عنوان نقطه مقابل عظمت حتی برتر عیسی مورد استفاده قرار می گیرد.

همه جا پیشنهادهایی وجود دارد، که قبلاً در مورد آنها صحبت کرده ایم، در مورد الیاس، الیاس آخرالزمانی این شخصیت مورد انتظار که برای آماده کردن راه خواهد آمد. مرگ یحیی تعمید دهنده بخش کلیدی از رسالت عیسی است. مرقس به نوعی از آن به عنوان آغاز رسالت عیسی یاد می کند.

لوقا مطالب زیادی در مورد یحیی تعمید دهنده که در خانواده ای کاهن و از والدینی مسن تر متولد شد، به ما می گوید. اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم، یک بارداری معجزه آسا وجود داشته است، دقیقاً به این معنا که الیزابت و زکریا برای بچه دار شدن خیلی پیر در نظر گرفته می شدند، اما با این حال یحیی را باردار شدند استدلال های زیادی وجود دارد که نشان می دهد یحیی ممکن است با جامعه ای به نام قومران، جامعه ای در نزدیکی قومران، ارتباط داشته باشد.

مجموعه های دریای مرده با آن مرتبط هستند. بخشی از این ارتباط ناشی از این واقعیت است که اشعیا ۴۰، آیه ۳، بخش مهمی از آن جامعه بود و به نظر می رسد که برخی ارتباطات رژیم غذایی و لباس وجود داشته است. اما من فکر می کنم این موضوع تا حد زیادی تصادفی است تا علت و معلولی.

یهودیت اولیه در این زمان پر از امید مسیحایی بود و این امید اشکال مختلفی به خود می گرفت، و دور از انتظار نیست که آیاتی مانند اشعیا ۴۰ را در مورد گروه های مختلف به کار ببریم. قبل از ادامه، چند نکته ی پایانی کوچک. یحیی تعمید دهنده، چیزهایی که در مورد او می دانیم.

او در بیابان بود. جمعیت زیادی را جذب کرد. او تعمید داد.

یک عمل نمادین غسل تعمید آب وجود داشت. با توجه به جمعیت او و پیامش، به راحتی می‌توان فهمید که یک پتانسیل مسیحایی در اطراف او در حال شکل‌گیری بود. اگرچه باید روشن کنیم، او هرگز چنین ادعاهایی در مورد خودش نکرد.

یحیی تعمید دهنده کاملاً واضح بود که او عیسی است. وقتی لباس، نوع پوشش و موی او و آنچه می‌خورد را می‌بینیم، این بسیار با پیامبران عهد عتیق مطابقت دارد، هر چه می‌پوشیدید، هر چه می‌خوردید، هر چه می‌کردید، هر چه می‌کردید، یک اثر تمثیلی آموزشی در آن وجود داشت. بنابراین اینطور نبود که یحیی تعمید دهنده نوعی دیوانه در بیابان بود، بلکه او در هر کاری که انجام می‌داد، پیامی را منتقل می‌کرد، هم در محلی که در آن بود، جایی که بیابان تمرکز قوی بر عهد عتیق دارد، و هم در لباسی که داشت، که در واقع ارتباط جالبی بین مو و ردایش در الیاس وجود دارد.

حتی ممکن است در مورد برخی از لباس‌ها، اشاره‌ای آشکار به الیاس شده باشد. اما به نظر من، قضاوتی وجود داشت که در لباس و غذای او در مورد حرص و طمع و تجملاتی که در میان حاکمان اسرائیل رواج داشت، منتقل می‌شد. بنابراین او در آنجا نیز با آنچه می‌پوشید، اظهار نظر می‌کرد.

همچنین بخش زیادی از پیام یحیی تعمید دهنده این بود که داوری در راه است. اینکه با فرا رسیدن پادشاهی داوری بر کسانی که در مقابل خدا ایستاده‌اند و کسانی که بوده‌اند، به ویژه حاکمان اسرائیل، که از موقعیت خود به نام خدا سوءاستفاده کرده‌اند، نازل خواهد شد. در واقع، سایر انجیل‌ها این موضوع را به وضوح نشان می‌دهند.

البته، شناخته‌شده‌ترین توهین در کتاب مقدس زمانی است که یحیی تعمیددهنده، رهبر مذهبی در حال ظهور را افعی‌صفتان خطاب می‌کند و می‌پرسد چه کسی آنها را از عذاب قریب‌الوقوع آگاه کرده است، تقریباً می‌خواهد بداند که اصلاً چرا آنها آنجا بوده‌اند. اما در اینجا کمی در مورد یحیی تعمیددهنده صحبت می‌کنیم و فکر می‌کنم برای ما مهم است که یحیی تعمیددهنده را از نظر نحوه‌ی ارائه‌ی او توسط مرقس در نظر بگیریم. با یحیی تعمیددهنده، ما این شخصیت را داریم که بین آنچه خدا گفته بود اتفاق خواهد افتاد، یعنی آمدن بنده‌ی رنج‌کشیده‌ی اشعیا، و آمدن آن شخص، یعنی آمدن آخرالزمانی خدا، ارتباط برقرار می‌کند.

آن لحظه‌ای که پیش‌بینی می‌شد، اکنون در حال تحقق است. و بنابراین، ما در یحیی تعمید دهنده شاهد ارتباطی ارگانیک با آنچه خدا در تاریخ خدا و قومش انجام داده بود و آنچه خدا اکنون با آمدن مسیح انجام می‌داد، هستیم. و من فکر می‌کنم ما همچنین یک جمله بسیار مهم، اگر بخواهید، یک جمله آموزنده، در مورد چگونگی صحبت مرقس در مورد عیسی، دریافت می‌کنیم و این را در آیه ۷ می‌بینیم. بنابراین، این یحیی تعمید دهنده است که صحبت می‌کند، و این پیام او بود.

بعد از من، آن که از من قدرتمندتر است، می‌آید. و سپس او ادامه می‌دهد، او وسعت آن را با بند صندل‌هایی که من لایق خم شدن و باز کردنشان نیستم توضیح می‌دهد، عملی بسیار شرم‌آور و پست. اما این اولین نوع توصیف بر لبان کسی در انجیل مرقس، در مورد یک شخص، در مورد اینکه عیسی کیست، است. توجه کنید که بعد از من است که آن که از من قدرتمندتر است، می‌آید. احتمالاً عبارت «قوی‌تر از من» ترجمه بسیار خوبی از متن یونانی آنجاست، که در آن «قوی‌تر» نوعی توصیف‌گر استفاده شده است.

و بنابراین، یحیی تعمید دهنده، وقتی از عیسی صحبت می‌کند، می‌گوید، قوی‌تر از من. این واقعاً زمینه را برای کاری که مرقس با اقتدار عیسی انجام می‌دهد، آماده می‌کند، اینکه چگونه بارها و بارها، این اشارات به قدرت و اقتدار عیسی را خواهیم یافت. بنابراین، در مرقس، وقتی او ورود یحیی تعمید دهنده را پوشش

می‌دهد، آن را بسیار مختصر نگه می‌دارد، اما آن را با کسی که راه را آماده می‌کند و آن را با قدرت عیسی مرتبط می‌کند.

و آخرین چیزی که مرقس در آیه ۸ به ما یادآوری می‌کند این است که یحیی می‌گوید، من شما را با آب تعمید می‌دهم، اما او شما را با روح‌القدس تعمید خواهد داد. جالب است که بحث‌های زیادی در مورد اینکه تعمید یحیی دقیقاً چه بوده، وجود دارد. و فکر می‌کنم منصفانه است که بگوییم به نظر نمی‌رسد همان نوع تعمیدی باشد که کلیسای اولیه در آن زمان به آن اعتقاد داشت.

دلیل اینکه این را می‌گوییم این است که غسل تعمید یحیی - توبه کردن و غسل تعمید گرفتن - شباهت‌هایی با آن دارد، اما به نظر می‌رسد یحیی با قوم اسرائیل در مورد نیاز به این نوع توبه دسته جمعی صحبت می‌کند. و سوال این است که آب چگونه در این مورد قرار می‌گیرد؟ نظریه‌های مختلفی وجود داشته است. برخی، استدلال کرده‌اند که این شبیه به کاری است که جامعه قمران با نوکیشان غیریهودی انجام می‌داد. باز هم، فکر نمی‌کنم این به اندازه آن قوی باشد.

اما انصافاً، ما موارد مشابه زیادی با کاری که یحیی انجام می‌داد، نداریم. به عبارت دیگر، به نظر نمی‌رسد یحیی عملی را انجام دهد که یک عمل رایج و شناخته شده باشد که بتوانیم بگوییم، آه، این کاری است که یحیی انجام می‌دهد. بنابراین، در مورد غسل تعمید او چه باید بگوییم؟ خب، اگر یحیی به روشی مشابه پیامبران عهد عتیق عمل می‌کند، به این معنی که لباس، رفتار، غذای و مکان او همگی بخشی از پیام هستند، پس فکر می‌کنم احتمالاً در اینجا می‌توانیم غسل تعمید او را به بهترین شکل درک کنیم.

در غسل تعمید او، چیزی نمادین در غسل تعمید آب وجود دارد که با پیام او سازگار است. یکی از چیزهایی که در پیام او می‌بینیم، همانطور که قبلاً اشاره کردم، در سراسر انجیل‌ها این است که داوری به معنای فرا رسیدن است، زمان داوری فرا رسیده است و تیشه بر ریشه است. بنابراین، بهتر است آب را نه به عنوان یک آیین تطهیر یا شستشو، بلکه شاید به بهترین شکل با نماد دیگری از ایده‌ای که آب اغلب منتقل می‌کرد، درک کنیم، که داوری، هرج و مرج، عذاب، سیل است، اگر بتوانید به آن تصویر فکر کنید، شاید از نوح نیز داوری بود.

و ممکن است این ایده وجود داشته باشد که یحیی از مردم می‌خواهد اعتراف کنند که شایسته داوری هستند، که مردمی نافرمان بوده‌اند، و سپس به صورت نمادین به آن داوری می‌روند و سپس بیرون می‌آیند که نوعی لطف یا رحمت خدا را به تصویر می‌کشد. این با پیام او مبنی بر توبه از گناهانتان مطابقت دارد. باز هم جالب است، نمی‌دانم که آیا ما هرگز دقیقاً خواهیم دانست که تعمید او چه کاری انجام می‌داد.

من فکر می‌کنم این واقعیت که عیسی با غسل تعمید موافقت کرد، در اینجا به ما کمک می‌کند. وقتی عیسی با غسل تعمید موافقت می‌کند، مرقس چیز زیادی در مورد مکالمه بین عیسی و یحیی به ما نمی‌گوید، اما متی می‌گوید، و این حس وجود دارد که عیسی تأیید و موافقت می‌کند که درست است که او جایی باشد که گناهکار ما به آن تعلق دارد، شاید تحت داوری، و سپس منتظر صلیب باشد. باز هم، این پیشنهادی برای مواردی است که می‌توانید در مورد آنها فکر کنید.

اما یحیی تعمید خود را با چه چیزی مقایسه می‌کند؟ یا با تعمید روح که عیسی انجام خواهد داد. و فکر می‌کنم در اینجا اشاراتی به اشعیا ۴ و اشعیا ۱۱، و همچنین حزقیال ۲۶، ۳۹، یوئیل ۲، ایده احیای مسیح و روح و حضور روح به روشی منحصر به فرد وجود دارد. بنابراین، مسیح مورد انتظار و حضور روح خدا که با هم می‌آیند، پیش‌بینی شده و مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بنابراین، از بسیاری جهات، فکر می‌کنم یوحنا به این واقعیت اشاره می‌کند. اما همچنین، اگر به روح به همان روشی که به آب فکر می‌کنیم فکر کنید، یعنی ورود روح، که اگر آب نماد داوری بود، اما همچنین نوعی بیرون آمدن از داوری بود، شاید در آن غسل تعمید، ممکن است همین را با روح، با ورود روح ببینیم، که هم حضور خدا وجود دارد، که کیفیت داوری دارد، و هم حضور محافظت و ورود و تسلی. اما در حالی که فکر می‌کنم آب برای یوحنا نمادین است، آنچه یوحنا می‌گوید این است که روح نمادین نیست.

این کاملاً موثق است. اینکه این استعاره‌ای نیست که یوحنا به کار می‌برد، بلکه واقعیت آخرالزمانی آن را اعلام می‌کند. حتی فکر کردن به آن هم جالب است.

البته یکی از چیزهایی که شاید برای مارک خیلی آزاردهنده باشد این است که مارک چیز بیشتری به ما نمی‌گوید. او فقط خیلی خلاصه آن را ارائه می‌دهد. باز هم، تقریباً این فرض وجود دارد که شاید این دانش فرضی باشد.

شاید اینها عناصر کلیدی داستان عیسی باشند که کلیسای اولیه می‌دانست و لازم بود به آنها اشاره شود. اینکه نمی‌توان داستان عیسی را بدون داستان یحیی تعمید دهنده آغاز کرد. اگر بخواهم دوباره به این ایده‌های کلیدی نگاه کنم، فکر می‌کنم دو ایده اصلی در این هشت آیه اول مقدمه وجود دارد.

یکی اینکه عیسی به عنوان تکمیل تاریخ خدا و قومش معرفی می‌شود. اینکه داستان بزرگ خدا، داستان بزرگی که اشعیا به آن اشاره می‌کرد، و اگر اشاره‌ای به خروج و ملاکی وجود داشته باشد، اینکه آن داستان بزرگ اکنون به اوج خود می‌رسد. اینکه اتفاق مهمی در محور تاریخ خدا و قومش در شرف وقوع است.

همچنین، همانطور که گفتم، عیسی قوی‌تر است و اقتدار و قدرت او را دارد. در این هشت آیه اول مقدمه این دو نکته‌ای است که می‌خواهم در نظر داشته باشیم. حالا که کمی به مقدمه فکر می‌کنیم، می‌خواهم به آیات ۹ تا ۱۳ نگاهی بیندازم.

در آن زمان، عیسی از ناصره جلیل آمد و در رود اردن توسط یحیی تعمید گرفت. درست هنگامی که عیسی از آب بیرون می‌آمد، دید که آسمان شکافته شد و روح القدس مانند کبوتری بر او نازل شد. صدایی از آسمان آمد: تو پسر من هستی که من او را دوست دارم و از تو بسیار خوشنودم.

بلافاصله روح او را به بیابان فرستاد و او به مدت ۴۰ روز در بیابان بود و شیطان او را وسوسه می‌کرد. او با حیوانات وحشی بود و فرشتگان از او مراقبت می‌کردند. باز هم، عنصر بسیار رایجی در داستان عیسی، یک عنصر شناخته شده، اما فکر می‌کنم نکات تفسیری بسیار مهمی در اینجا وجود دارد.

ضمناً، حتی نحوه شروع آیه ۹ هم جالب است. در آن زمان، برخی از ترجمه‌ها در آن روزها نشان می‌دهد که مرقس در اینجا صرفاً به شرح حال نمی‌پردازد. او از بخش‌های بزرگی از زمان صرف نظر کرده و اگر بخواهید آن را در یک دوره زمانی خاص متمرکز می‌کند. فکر می‌کنم منظور از آن روزها، خدمت زمینی عیسی باشد.

فکر می‌کنم منظور از «آن روزها» همین باشد. البته، عیسی اهل ناصره است. تنها دلیلی که ما اصلاً چیزی در مورد ناصره می‌دانیم این است که عیسی اهل آنجا بود.

این شهر ناشناخته و نامربوطی بود. عهد عتیق و تلمود از آن نامی نبرده‌اند.

یوسفوس به آن اشاره نمی‌کند. عهد جدید به آن اشاره می‌کند. به نظر من، این به ما شواهد تاریخ‌نگاری می‌دهد.

اگر قرار باشد داستانی خلق شود که در آن بخواهند قهرمان را بالا ببرند، آنها را اهل ناصره نمی‌یابید. می‌توانید به بیت‌لحم بسنده کنید. بیت‌لحم اشاره‌ای نبوی به آن دارد.

ما می‌دانیم که عیسی در بیت‌لحم متولد شد. شما حتی ممکن است به طور کلی از جلیل صحبت کنید، اما ناصره، اینطور نیست. من این را جالب می‌دانم که ناصره اکنون احتمالاً یکی از شناخته‌شده‌ترین شهرهای باستانی است.

چرا؟ چون عیسی از آنجا آمده بود. جالب اینجاست که تنها اشاره‌ای که در تاریخ به نظر مردم در مورد ناصره داریم، در فصل اول انجیل یوحنا است، جایی که نتنائیل آن را مسخره می‌کند و تعجب می‌کند که چرا چیزی می‌تواند از آنجا آمده باشد. بنابراین، ما این آغاز خدمت عیسی را داریم.

او از خانواده‌ای بسیار فروتن در ناصره می‌آید. او توسط یحیی در رود اردن غسل تعمید داده شد. سپس به این غسل تعمید و آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد توجه کنید.

درست همانطور که، دوباره، این درست همانطور که، شما بسیاری از این‌ها را بلافاصله و سپس می‌بینید این بخشی از همان سرعتی است که مرقس ما را به آن سوق می‌دهد. درست همانطور که او از آب بیرون می‌آمد، او، یعنی عیسی، شکافته شدن آسمان را دید.

زبان اینجا جذاب است، از هم گسیخته. کلماتی که استفاده می‌شوند، ایده‌ی پاره شدن یک پارچه را تداعی از کلمه‌ی یونانی که اینجا استفاده شده گرفته شده است، اگر بخواهید schism می‌کنند. کلمه‌ی انگلیسی (پاره شدن) rending می‌توانید بگویید، این

جالب اینجاست که دلیل اینکه به این نکته اشاره می‌کنم این است که متی و لوقا از این زبان استفاده نمی‌کنند. متی و لوقا از باز شدن آسمان‌ها صحبت می‌کنند، مثل اینکه ممکن است دری باز شود یا دری لغزیده شود. در حالی که مرقس از پاره شدن آسمان‌ها صحبت می‌کند.

تغییر جذابی است. و فکر نمی‌کنم تصادفی باشد. البته جاهایی مثل اشعیا ۶۴ ۱ داریم، ای کاش آسمان‌ها را می‌شکافتی و نازل می‌شدی، ای کاش کوه‌ها از حضورت می‌لرزیدند.

اما این زبان شکافنده صرفاً از اشعیا در اینجا الهام گرفته نشده است، بلکه فکر می‌کنم پیش‌بینی لحظه بعدی در انجیل مرقس است که در آن شاهد استفاده از همین اصطلاح خواهیم بود، و آن در مرقس ۱۵ آیه ۳۸ است که پرده پاره می‌شود. پرده‌ای که معبد، قدس‌الاقداص، را از بقیه مجموعه جدا می‌کند، و این اتفاق در زمان مرگ مسیح رخ می‌دهد. و به اعتقاد من، این تصادفی نیست، زیرا در کیهان‌شناسی معبد دوم، اغلب در نظر گرفته می‌شد که کره آسمانی، فضای آسمانی، توسط یک پرده از کره زمینی جدا شده است.

اینکه یک بافت کیهانی عظیم، اگر بخواهید، وجود داشته که این دو را از هم جدا می‌کرده است. و در واقع ساخت معبد و طراحی آن به گونه‌ای انجام شده که این را منعکس کند. حجایی که درون را از بیرون جدا می‌کرد و حتی حجاب دیگری هم وجود داشت، با نمادگرایی ارائه شده بود.

نمادگرایی خلقت، نمادگرایی کیهان، این ایده که تقریباً بازسازی باغ عدن به شکل نمادین به نوعی در طراحی معبد ارائه شده است. بگذارید نکته‌ام را اینجا بیان کنم. برای مثال، کاهنان، لباس‌هایشان، وقتی خارج از خلوتگاه درونی بودند، به عبارت دیگر، وقتی در قلمرو زمینی بودند، اغلب نمادهایی بر روی لباس‌هایشان بود که خلقت را منتقل می‌کرد.

البته، شما پسر را دارید، بنابراین این تصویر تثلیث اینجا وجود دارد، و همچنین خدمت عیسی که در شرف آغاز است. شما این اشاره به کبوتر را دارید که جذاب است. کبوتر احتمالاً باید به صورت صفت درک شود، نه قید.

منظورم این است که به شکل کبوتر فرود آمد، شبیه کبوتر، نه به شکلی که یک کبوتر فرود می‌آید، اگر این منطقی باشد. چرا اینجا؟ شاید پژواکی از نجات داستان نوح وجود داشته باشد، شاید این ایده وجود داشته باشد که دوباره آب داوری است، کبوتر نجات از داوری. شاید این تصویر اینجا در حال شکل‌گیری است.

اگر چنین است، پس این فکر من را تأیید می‌کند که پیام یحیی تعمید دهنده و غسل تعمید او، حاوی پیام داوری نابودی بود، که عیسی نابودی را بر خود می‌گیرد تا رستگاری را برای خدا به ارمغان بیاورد. و سپس البته، شما این اعلامیه بزرگ از سوی خدا، صدای خدا را دارید که صحبت می‌کند. به انجیل مرقس توجه کنید که عیسی هنوز کاری انجام نداده است، به این معنی که این پسرخواندگی، این مکاشفه پسرخواندگی، بر اساس اعمال عیسی نیست، بلکه بر اساس شخصیت اوست.

و دلیل اینکه من این نکته را مطرح می‌کنم این است که پسر خدا اعلام شدن در جهان باستان واقعی نبود، ناشناخته نبود. به عنوان مثال، در یهودیت، در اسرائیل باستان، فرشتگان پسران خدا نامیده می‌شدند، پادشاهان پسران خدا بودند، خود اسرائیل پسر خدا بود. و هر یک از اینها مضمونی از اطاعت داشتند. موجودات منحصر به فردی که برای اطاعت از خدا به روشی خاص جدا شده بودند.

و من فکر می‌کنم بخش زیادی از این همان چیزی است که نشان می‌دهد عیسی کیست. اما حتی در دنیای یونانی-رومی، اشاراتی به امپراتورها به عنوان پسران خدا وجود داشت، قهرمانان بزرگی مانند اسکندر کبیر وقتی در مصر است، به عنوان پسر خدا اعلام می‌شود. قیصر آگوستوس پس از مرگ جولوس سزار پدرخوانده‌اش، این عنوان را به خود اختصاص می‌دهد.

اما وقتی یک شخصیت یونانی-رومی به عنوان پسر خدا اعلام می‌شد، اغلب به دلیل کار بزرگی بود که انجام داده بود، معمولاً پس از مرگشان، گاهی در بحبوحه دستاوردهای بزرگ. اما در اینجا ما اعلام پسر خدا بودن عیسی را داریم، و مرقس هنوز هیچ کار مهمی انجام نداده است. بنابراین، این اعلامی است از اینکه او کیست، بر اساس اینکه کیست، نه بر اساس کارهایی که انجام داده است.

و سپس صدایی از آسمان، که می‌توانست صدای خدا باشد، می‌گوید، من اینجا کجا هستم؟ اوه، بله، تو پسر من هستی. این آیه ۱۱ است، کسی که من دوستش دارم. من از تو بسیار راضی هستم. ضمناً، اینکه تو هستی، تأکیدی است.

تأکیدی بر آن وجود دارد، به نحوه ساخت یونانی آن. و باز هم نقل قولی از چندین بخش وجود دارد همانطور که در ابتدا دیدیم. ما اینجا مزمور ۲-۷ را داریم که مزمور بر تخت نشستن داوود است، اعلامیه‌ای از مسیح، سلسله‌ی داوود.

عبارت محبوب می‌تواند اشاره‌ای به پیدایش ۲:۲ باشد. عبارت محبوب در مزمور ۷:۲ نیامده است. اما البته، اسحاق، خدا در مورد اسحاق به ابراهیم می‌گوید، تنها پسر تو، محبوب تو، تنها پسر تو که دوستش داری، که اگر این درست باشد، نشان می‌دهد که احتمالاً ارتباطی بین عیسی و اسحاق در اینجا مطرح شده است.

و حتی بیشتر از آن، قیاسی از تمایل به فداکاری، تمایل ابراهیم به قربانی کردن اسحاق، و تمایل خدا به قربانی کردن پسرش. و سپس عبارت «من از تو بسیار راضی هستم» از اشعیا ۴۲:۱ می‌آید، جایی که برگزیده خدا

بخشی از سرود بزرگتر خدمتگزار، به عنوان فردی انتخاب می‌شود که خود را به عنوان قربانی تقدیم خواهد کرد. معنای این جمله در اینجا در این اعلامیه‌ای است که خدا در مراسم غسل تعمید دارد، که به اعتقاد من در مراسم غسل تعمید اتفاق می‌افتد زیرا آنچه در مراسم غسل تعمید اتفاق می‌افتد، نشان دهنده دلیل حضور عیسی در اینجا است، یعنی رفتن به مکانی که متعلق به گناهکاران است، جایی که داوری در حال وقوع است، و سپس عبور از آن آب‌ها برای آوردن نجات، که با بیان این اعلامیه در مراسم غسل تعمید، خدا زبان بر تخت نشستن را با هم ترکیب می‌کند و می‌گوید بله، این مسیح داوودی است، این کسی است که قرار است بیاید، و این مسیح داوودی نیز همان بنده‌ای است که قربانی خواهد شد.

مانند اسحاق، پسر محبوب، بنده‌ای که قربانی خواهد شد. این یک اعلامیه جذاب و قدرتمند است. ما در اینجا به سرعت به تعمید پس از این مکاشفه توسط خدا در مورد اینکه عیسی کیست، می‌پردازیم و مرقس در اینجا بسیار مختصر است.

ما از مرقس نمی‌دانیم چه کسی چه چیزی را شنیده است. ما می‌دانیم که عیسی دید و شنید. اما بلافاصله روح القدس او را به بیابان فرستاد.

بنابراین، بلافاصله متوجه می‌شویم که اولین چیزی که در پایان غسل تعمید رخ می‌دهد، اطاعت از عیسی است. هدایت شدن توسط روح به بیابان می‌توانسته انگیزه‌ای برای اسرائیل باشد. آنها هنگام خروج از مصر توسط روح به بیابان هدایت شدند.

متی از زبان اسرائیلی عیسی بسیار بهره می‌برد. و من فکر می‌کنم مرقس هم کمی به این موضوع پرداخته است. بنابراین، او توسط روح به بیابان هدایت می‌شود و در آنجا ۴۰ روز روزه می‌گیرد.

باز هم، عدد ۴۰ بی‌اهمیت نیست. با این حال، مرقس فقط به ما می‌گوید که او به مدت ۴۰ روز توسط شیطان وسوسه شد. این را از دست ندهید.

اولین دشمنی که در انجیل مرقس معرفی شده، شیطان است. او در برابر رهبران مذهبی، هیرودیسی و دیگران معرفی شده است. دشمنی که معرفی شده، شیطان است.

ما شاهد تکرار این موضوع، به خصوص در مراسم جن‌گیری، خواهیم بود. و سپس این نکته‌ی جالب را داریم که فقط مرقس به ما می‌گوید که عیسی نیز با حیوانات بوده است. و در مورد اینکه چرا حیوانات اینجا هستند، سوالات زیادی مطرح شده است.

فرشتگانی که به عیسی خدمت می‌کردند در جای دیگری نشان داده شده‌اند، اما حیوانات نه. مرقس فقط سعی دارد نشان دهد که حیوانات معمولاً در بیابان تهدیدی محسوب می‌شوند. آنها تهدیدی برای عیسی نیستند.

اینکه او محافظت خواهد شد، ممکن است. آیا این اشاره‌ای به عدن دارد؟ حیوانات و آدم دوم، اگر بخواهید، اینجا کجا هستند؟ یا اینکه این فقط از نظر تاریخی دقیق است و مرقس می‌داند که حیوانات به روشی مشابه با الیاس از او مراقبت می‌کردند؟ ما نمی‌دانیم.

من اضافه کردن حیوانات وحشی را از این نظر مهم می‌دانم، زیرا فکر می‌کنم از کیفیت تاریخ‌نگاری آن حکایت دارد. و من به این فکر می‌کنم که در اینجا تصویری داریم که زندگی در اطراف عیسی همانطور که باید قبل از هبوط می‌بود، است. اینکه در اطراف عیسی، اثرات هبوط در حال خنثی شدن است.

فکر می‌کنم مثلاً در شفاهای این را خواهیم دید. و البته، فقط اثرات هبوط نیست که از بین می‌روند، بلکه علت آن نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. آخرین نکته در مورد مقدمه قبل از پایان، این است که دوباره توجه کنید که چه مقدار از مطالب از قلم افتاده است.

شاید متوجه شده باشید که در طول سخنرانی امروز به چند نکته اشاره کردم، مثلاً اینکه متی این موضوع را مطرح می‌کند، یا یوحنا این موضوع را مطرح می‌کند، یا اینکه ما آن را از لوقا می‌دانیم. به این دلیل است که بسیاری از این وقایع را، وقتی به آنچه در مورد عیسی می‌دانیم فکر می‌کنیم، از مرقس نمی‌دانیم. ما آن را از متی، لوقا و یوحنا می‌گیریم.

این بخشی از استراتژی سرعت مرقس است. ما خیلی سریع پیش رفته‌ایم. کاری که مرقس در چند آیه انجام می‌دهد، متی در فصل‌ها انجام می‌دهد، و ما در آستانه‌ی رسیدن به نقطه‌ای هستیم که مرقس به طرز چشمگیری سرعت خود را کاهش می‌دهد، جایی که او از همان تعداد آیاتی برای صحبت در مورد یک روز استفاده خواهد کرد که قبلاً در مورد ورود یحیی تعمید دهنده، تعمید عیسی توسط یحیی تعمید دهنده و نقل مکان به بیابان صحبت می‌کرد.

همان تعداد آیه‌ای که او استفاده خواهد کرد، که دو تا از آن آیات فقط متن کتاب مقدس هستند، سه تا از آن آیات نقل قول از متن کتاب مقدس هستند، همان تعداد آیه‌ای که او برای صحبت در مورد یک روز استفاده خواهد کرد. چیزی در مورد آن روز وجود دارد که مرقس آن را برای درک اینکه عیسی کیست مهم می‌داند. دفعه بعد به آن خواهیم پرداخت.

متشکرم. بیایید به فصل ۱، آیات ۱ تا ۱۳ برویم.

این دکتر مارک جنینگز است و در حال تدریس کتاب مرقس. این جلسه دوم در مورد مرقس ۱: ۱ تا ۱۳ است.